

مقدمه

عهد ما با لب شیرین دهنان بست خدا
ما همه بنده و این قوم خداوندانند

«از بخت شکر دارم و از روزگار هم». بیش از بیست و پنج سال است که با آثار سهراب سپهری، شاعر و نقاش کاشانی برجسته معاصر مانوسم و اشعار و نوشته‌های او را مکرراً می‌خوانم. ماحصل این تأملات و تتبعاتِ درازآهنگ در آثار سپهری را در «در سپهر سپهری» و «فلسفه لاجوردی سپهری» آورده‌ام. افزون بر این، هر چند موضوع محوریِ دو دیگر اثرم، «حریم علف‌های قربت» و «آبی دریای بیکران»، حدود و ثغور سلوک معنوی در روزگار اخیر و عرفان مدرن به روایت نگارنده است؛ در عین حال، احوال و اشعار و آراء سهراب، سالک مدرن شرقی، در جای جای این دو کتاب سر برآورده و به بحث گذاشته شده، که: «هم در تو گریزم ار گریزم».

«نبض خیس صبح»، پس از چهار اثر یاد شده درمی‌رسد و متضمن تأملات تکمیلی‌ام درباره مضامین معنوی و اگزیستانسیل آثار سپهری است. چنانکه در برخی از آثار نوشتاری و گفتاری خود آورده‌ام، هر چند سپهری شاعر و نقاش است؛ می‌توان او را در زمره متفکران اگزیستانسیالیست ایرانی معاصر به حساب آورد، نظیر احمد شاملو و فروغ فرخزاد؛ که به گواهی آثارش دلمشغول مقولات اگزیستانسیلی چون غم، مرگ، عشق ... بوده است.

«نبض خیس صبح»، صورت منقح و ویراسته درسگفتار پانزده جلسه‌ای است که بهار و تابستان سال ۹۶ شمسی در «بنیاد سهروردی» تورنتو برگزار شد. مقولاتی چون تنهایی، امر متعالی، هیچستان، مرگ، غرب، غم، آب، آبی، بیابان، تماشا، تکنولوژی... در فصول مختلف این کتاب، به تفصیل به بحث گذاشته شده؛ همچنین، ربط و نسبت میان شعر سهراب و فروغ در یک فصل واکاوی گشته است. حسن ختام این مجموعه، صورت منقح سخنرانی تحت عنوان «ذهن آگاهی در هشت کتاب سپهری» در شهر هامبورگ است. در این جستار، با وام کردن برخی از مفاهیمی که درباره ذهن آگاهی در دهه‌های اخیر در ادبیات مربوط سربرآورده، کوشیده‌ام قرائت خویش از مؤلفه‌های مهم و رهگشای این مقوله را در اشعار سپهری بدست دهم.

در تقریرمطالب و مضامین این اثر، افزون بر «هشت کتاب»، به «اطاق آبی» و «هنوز در سفرم»، به تفاریق پرداخته و ارجاع داده‌ام؛ که به‌نظرم برای بدست دادن روایتی جامع الاطراف از نظام معنوی - باطنی سپهری، باید تمام آثارش را پیش چشم داشت و در آنها به دیده عنایت نگریست.

ناگفته نگذارم که برخی از فصول کتاب، پیش از این در سایت‌های «زمانه» و «زیتون» منتشر شده است؛ تمام فصول منتشر شده، جهت انتشار در این اثر، مجدداً ویرایش شده‌اند. اگر نبود لطف و محبت بی‌دریغ دوستان عزیز، ندا سقایی، زهره سعیدی و علی صنایعی؛ آماده‌سازی و ویرایش این اثر که ماه‌ها به درازا انجامید، به پایان نمی‌رسید. از این بابت از ایشان صمیمانه سپاسگزارم. همچنین ممنونم از سپهر زارع، مدیر فرهنگ دوست «نشر سهروردی» برای انتشار این اثر.

امیدوارم خواننده "نبض خیس صبح"، در لابلای سطور و صفحات پیش رو، حدیث غریب گفتگوی نهانی نویسنده با سهراب، سالک مدرن شرقی را بخواند و با نشستن بر سر سفره سپهری، «سقفی از تناسب گلها» را ببیند و «زیر معنویت باران» قدم زند و حنجره‌اش از «صفات آبی شطها» پر شود و «از دقیقه‌های مشجر» یاد کند و «مثل پریروزهای فکر»، تر و تازه و جوان شود:

«یک نفر آمد...

مثل پریروزهای فکر، جوان بود

حنجره‌اش از صفات آبی شطها

پر شده بود.

یک نفر آمد کتاب‌های مرا برد

روی سرم سقفی از تناسب گل‌ها کشید

عصر مرا با دریچه‌های مکرر وسیع کرد

میز مرا زیر معنویت باران نهاد

بعد، نشستیم

حرف زدیم از دقیقه‌های مشجر

از کلماتی که زندگی‌شان، در وسط آب می‌گذشت».